

به نام خدا

مطالعه تطبیقی نظام های آموزشی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه

مؤلفان :

سمانه استکی اورگانی
خدامراد استکی اورگانی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۳)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: استکی اورگانی، سمانه، ۱۳۶۴
عنوان و نام پدیدآور: مطالعه تطبیقی نظام های آموزشی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه / مولفان
سمانه استکی اورگانی، خدامراد استکی اورگانی.
مشخصات نشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری: ۱۰۵ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۵۵-۴۱۴-۷
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه - نظام های آموزشی - مطالعه تطبیقی
شناسه افزوده: استکی اورگانی، خدامراد، ۱۳۶۷
رده بندی کنگره: LB۱۰۳۰/۱
رده بندی دیویی: ۳۷۲/۵۸
شماره کتابشناسی ملی: ۹۹۲۰۸۹۶
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

نام کتاب: مطالعه تطبیقی نظام های آموزشی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه
مولفان: سمانه استکی اورگانی - خدامراد استکی اورگانی
ناشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۳
چاپ: زبرجد
قیمت: ۱۰۵۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۵۵-۴۱۴-۷

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

www.chaponashr.ir



انتشارات ارسطو



فهرست

مقدمه:	۷
بخش اول: مبانی نظری مقایسه سیستم های آموزشی	۹
فصل اول: مفهوم آموزش و یادگیری در جوامع مختلف	۹
نقش ریشه های فرهنگی و اجتماعی در تکوین مفاهیم آموزش و یادگیری	۹
نقش آموزش نظری و عملی در نظام های آموزشی پیشرفته و در حال توسعه:	۱۰
نقش چالش های توسعه در طراحی آموزشی: نگاهی به جوامع در حال توسعه	۱۲
نقشه راهی متفاوت: یادگیری پایدار در مناظر آموزشی جهان	۱۳
نقش آموزش در شکل گیری آینده: رهیافت های تطبیقی به آموزش انتقادی و حل مسئله	۱۵
فرا تر از مرزهای کلاس: نقش فناوری در آموزش و یادگیری در دنیای متغیر	۱۶
انعکاس آینه: چالش پاسخگویی به نیازهای متنوع دانش آموزان در نظام های آموزشی کشورهای در حال توسعه	۱۷
نقشه برداری از یادگیری: جست و جوی شاخص های همه جانبه کیفیت آموزشی	۱۹
فصل دوم: چالش ها و فرصت های آموزشی در جهان امروز	۲۱
نقش جهانی شدن و فناوری در دو جهان آموزش: گذری بر مقایسه سیستم های آموزشی	۲۱
نقش آفرینی تجربه جهانی در ارتقای آموزش: رهیافتی تطبیقی	۲۲
راهکارهای بازنگری در معادله جذب و ماندگاری معلم در نظام های آموزشی کشورهای در حال توسعه	۲۴
نگاهی تطبیقی به سنجش دانش آموزان: از غرب تا جنوب	۲۶
نقشه برداری اثربخشی: ارزیابی برنامه های آموزشی تطبیقی در کشورهای در حال توسعه	۲۷
نقش آفرینی تجربه در عرصه آموزش: یافتن تعادل در کشورهای در حال توسعه	۲۸
بازاندیشی در بودجه بندی آموزش: شکاف توسعه و کیفیت فرایند یاددهی	۳۰

بازآفرینی آموزش: طنین چالش‌های فرهنگی و اجتماعی در نظام‌های آموزشی ۳۱

فصل سوم : رویکردهای مختلف به سیستم های آموزشی ۳۵

نقش ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی در پویایی نظام‌های آموزشی جهانی ۳۵

نقش شگرف منابع و امکانات در معماری آموزش: بررسی تطبیقی ۳۶

آینه دو جهان: نقش دولت و بخش خصوصی در منظومه آموزش ۳۸

مقایسه رویکردهای آموزشی نوین: فناوری اطلاعات و ارتباطات و شکاف توسعه ۳۹

پیوند دانش و نیاز: تطبیق الگوهای موفق آموزشی در کشورهای توسعه‌یافته با کشورهای در

حال توسعه ۴۱

آینه‌های متفاوت، بازتابی یکسان: نگاهی به ارزیابی اثربخشی آموزشی در دو جهان ۴۳

نگاه عمیق‌تر به شکاف‌های آموزشی و اجتماعی: بررسی تطبیقی بین کشورها ۴۴

پیوندهای پنهان توسعه آموزشی: جست‌وجوی الگوهای فراگیر ۴۵

بخش دوم: بررسی نظام های آموزشی کشورهای توسعه یافته ۴۹

فصل چهارم : توسعه پایدار و سیستم های آموزشی ۴۹

نقش سه گانه: زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی در پیکر آموزش ۴۹

نقش نگارنده‌ی هستی آموزش: ریشه‌های اجتماعی توسعه پایدار در نظام‌های آموزشی ... ۵۰

پیوند دانش و پویایی: الهام گرفتن از تجربیات آموزشی کشورهای پیشرفته برای توسعه

پایدار در کشورهای در حال توسعه ۵۲

آینه‌های یادگیری: آیا معیارهای مشترکی برای سنجش موفقیت آموزشی در مسیر توسعه

پایدار وجود دارد؟ ۵۴

پازل توسعه پایدار در آموزش: چالش‌ها و راه‌حل‌های پیش‌روی کشورهای در حال توسعه ۵۵

نقش شگرف فناوری اطلاعات و ارتباطات در طراحی آینده آموزشی: نگاهی تطبیقی ۵۷

نقش‌آفرینی تجربه‌های عملی در رونمایی از تعهدات توسعه پایدار: ۵۸

نقش آموزش در آینه توسعه پایدار: بحران آگاهی و راهکارهای تعاملی ۶۰

فصل پنجم: سیستم آموزش و پرورش در کشورهای اروپایی ۶۳

نقش آموزش‌های اروپایی در پرورش تفکر انتقادی و حل مسئله: نگاهی تطبیقی ۶۳

نقش ارکستر آموزش: خانواده و جامعه در نغمه یادگیری در شرق و غرب ۶۴

آیا معیارهای سنجش دانش‌آموزان اروپایی، با نیازهای قرن حاضر همگام هستند؟ ۶۶

نواحی مشترک یادگیری: الگوهای اروپایی و راه‌های افزایش مشارکت دانش‌آموزان ۶۷

آینه‌های دانش: تطبیق آموزش عالی اروپایی با بازار کار و نوآوری ۶۹

بافت‌های گوناگون آموزش و پرورش: ریشه‌های متفاوت کیفیت ۷۰

نقشه‌ی راه دیجیتالی: نگاهی تطبیقی به آموزش‌های نوین در اروپا و کشورهای درحال

توسعه ۷۲

دریچه‌ای به سوی تعلیم و تربیت کارآمد: الگوهای آموزشی اروپایی برای جهان در حال

توسعه ۷۴

فصل ششم: سیستم‌های آموزشی در آمریکا و کانادا ۷۷

نقش پناهگاه‌های آموزشی: خانواده و جامعه در آمادگی کودکان برای آینده ۷۷

نقش نقشه راه در ارزیابی معلم: بررسی تطبیقی سیستم‌های ارزیابی آمریکا و کانادا ۷۸

ابعاد بودجه و فناوری در نظام‌های آموزشی پیشرفته: نگاهی تطبیقی به آمریکا و کانادا .. ۸۰

بحران یادگیری و اقیانوس فرصت: نقش فناوری دیجیتال در آموزش‌های آمریکایی و

کانادایی ۸۱

نقشه راهی نوین: دستیابی به آموزش‌های تخصصی و حرفه‌ای در آمریکای شمالی ۸۳

آهنگ تعلیم و تربیت: همخوانی نظام‌های آموزشی با تنوع دانش‌آموزان ۸۴

نقش مشارکتی دانش‌آموزان در بوم آموزشی: بررسی تطبیقی مدل‌های آمریکایی و کانادایی

..... ۸۶

نقشه‌برداری آموزشی: تبیین برنامه‌های درسی آمریکایی و کانادایی ۸۷

فصل هفتم: سیستم آموزشی کشورهای آسیایی توسعه یافته ۹۱

نقش "مهارت‌های زندگی" در بافت آموزشی آسیای پیشرفته: بررسی تطبیقی ۹۱

- انعکاس هویت فرهنگی در آینه آموزش: نقش خانواده و جامعه در کشورهای آسیایی
توسعه‌یافته ۹۲
- آینده‌ای مجهز: چالش‌های نوظهور در آموزش و پرورش آسیای توسعه‌یافته ۹۴
- نگاهی تطبیقی به بستر نوآوری و خلاقیت در سیستم‌های آموزشی آسیای پیشرفته ۹۵
- بسترهای بهره‌برداری از الگوهای آموزشی کشورهای آسیایی توسعه‌یافته در جوامع در حال
توسعه ۹۷
- نقش شگرف فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) در منظومه آموزشی آسیا: نگاهی به
الگوهای نوظهور ۹۸
- بازتاب‌های متفاوت ارزیابی در آسمان دانش‌آموزی آسیا: جست‌وجویی در روش‌های سنجش
..... ۱۰۰
- نقش الگویی نظام‌های آموزشی آسیایی توسعه‌یافته در ارتقاء آموزش کشورهای در حال
توسعه ۱۰۲
- منابع ۱۰۵

مقدمه:

امروزه، جهان به سرعت در حال تغییر و تحول است و این تغییرات، تأثیر شگرفی بر چگونگی آموزش و پرورش نسل‌های آینده دارد. یکی از موضوعات مهم و البته پیچیده در این زمینه، مقایسه و بررسی سیستم‌های آموزشی کشورهای مختلف است، به خصوص کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه. این مقایسه، فرصتی ارزشمند برای درک نقاط قوت و ضعف هر دو گروه از کشورها، و شناسایی راهکارهایی برای بهبود کیفیت آموزش و پرورش در سراسر جهان فراهم می‌کند.

در بررسی این سیستم‌ها، متغیرهای بسیاری دخیل هستند. از عوامل اقتصادی و اجتماعی گرفته تا ساختار سیاسی و فرهنگی هر کشور، همگی بر شکل و کیفیت آموزش تأثیر می‌گذارند. به عنوان مثال، کشورهایی که از ثبات اقتصادی بالایی برخوردارند، معمولاً امکانات بیشتری برای سرمایه‌گذاری در آموزش و تجهیز مدارس دارند. همچنین، ساختار اجتماعی و فرهنگی هر کشور، نوعی نگاه خاص به آموزش و پرورش و نیازهای آموزشی را تعیین می‌کند. مثلاً، در برخی کشورها، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، اهمیت بیشتری نسبت به آموزش‌های دانشگاهی دارند.

مقایسه سیستم‌های آموزشی توسعه‌یافته و در حال توسعه، می‌تواند بینش‌های ارزشمندی در مورد روش‌های مختلف آموزش، طراحی برنامه‌های درسی، و ارزیابی عملکرد دانش‌آموزان به ما بدهد. آیا روش‌های آموزش در کشورهای توسعه‌یافته، برای همه کشورها قابل استفاده و اثربخش هستند؟ آیا نیازهای آموزشی کشورها، متناسب با شرایط اقتصادی و اجتماعی‌شان است؟ با توجه به این پرسش‌ها، این کتاب سعی دارد به مطالعه‌ی تطبیقی سیستم‌های آموزشی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه بپردازد و با تحلیل عمیق‌تر، راهکارهای نوینی برای بهبود آموزش ارائه کند.

مطالعه‌ی این مقایسه، می‌تواند درک ما را از چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی سیستم‌های آموزشی در سراسر جهان افزایش دهد و به ما کمک کند تا درک بهتری از پیچیدگی‌های آموزشی داشته باشیم. امید است این بررسی تطبیقی، راهگشای مسیر جدیدی برای بهبود کیفیت آموزش و پرورش در سراسر جهان باشد.

بخش اول:

مبانی نظری مقایسه سیستم های آموزشی

فصل اول:

مفهوم آموزش و یادگیری در جوامع مختلف

نقش ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی در تکوین مفاهیم آموزش و یادگیری مفهوم آموزش و یادگیری در جوامع مختلف، تحت تأثیر عمیق و پیچیده بافت فرهنگی و اجتماعی خود قرار می‌گیرد. این تأثیر، به نحوی، یک چارچوب مفهومی کلی برای نحوه تعامل، انتقال و دریافت دانش و مهارت‌ها ایجاد می‌کند. بررسی این ارتباط، ما را به فهم بهتر پیچیدگی‌های نظام‌های آموزشی در سراسر جهان، از کشورهای توسعه یافته تا کشورهای در حال توسعه، رهنمون می‌سازد.

بافت فرهنگی، به عنوان مبنای بنیادین، نقش پررنگی در ترسیم ارزش‌ها، باورها و انتظارات اجتماعی در قبال آموزش دارد. در برخی جوامع، ارزش یادگیری فردی و استقلال فکری، محور اصلی آموزش است، در حالی که در برخی دیگر، یادگیری جمعی و رعایت سنت‌ها، بر یادگیری فردی ارجحیت می‌یابد. این تفاوت‌ها، در نحوه سازماندهی کلاس‌ها، محتوا، روش‌های تدریس و حتی سطوح مورد انتظار از یادگیری دانش‌آموزان، انعکاس می‌یابد.

مکانیک اجتماعی نیز به نوبه خود، تأثیر بسزایی بر دیدگاه جوامع نسبت به آموزش و یادگیری می‌گذارد. در جوامعی که نگرش‌های صعودی اجتماعی و پیشرفت فردی، به شدت مورد تأکید است، آموزش و پرورش، با هدف دستیابی به موقعیت‌های شغلی بهتر، هدف‌گذاری شده است. برعکس، در جوامعی که بر برابری فرصت‌ها و تعادل اجتماعی تأکید دارند، ممکن است اهمیت آموزش جامع‌تر و ملاحظه‌کننده نیازهای همه اقشار اجتماعی، بیشتر باشد.

ساختارهای خانوادگی و اجتماعی نیز در این زمینه نقش آفرینند. در جوامعی که خانواده‌ها نقش محوری در تربیت فرزندان دارند، آموزش، اغلب به صورت تدریجی و مبتنی بر تجربه‌های روزمره شکل می‌گیرد. در مقابل، در جوامعی که آموزش رسمی، نقش برجسته‌تری دارد،

انتظارات والدین و جامعه، از دانش‌آموزان در محیط مدرسه شکل می‌گیرد. این تفاوت‌ها در طراحی برنامه‌های آموزشی، شیوه‌های تعامل دانش‌آموز با آموزگار و میزان دخالت خانواده در فرآیند یادگیری، آشکار می‌شود.

علاوه بر این، ارزش‌های معنوی و مذهبی در بسیاری از جوامع، مؤثر بر دیدگاه آموزش و یادگیری هستند. در برخی جوامع، مفاهیمی چون تعالی روحی، ارتباط با خداوند و دستیابی به معنویت، در کنار یادگیری علمی، مورد تأکید است. این ارزش‌ها در انتخاب محتوا، شیوه‌های آموزش، و همچنین اهدافی که برای دانش‌آموزان در نظر گرفته می‌شود، تأثیرگذارند.

همچنین، دسترسی اجتماعی به منابع و امکانات، مانند کتاب، اینترنت و تجهیزات آموزشی، در دیدگاه جوامع نسبت به یادگیری، تأثیرگذار است. در جوامعی که دسترسی به چنین منابعی محدودتر است، روش‌های آموزش و یادگیری، ممکن است به گونه‌ای متفاوت از جوامعی باشد که از این منابع، به راحتی برخوردارند.

در نهایت، می‌توان گفت که تعامل پیچیده بین مولفه‌های فرهنگی و اجتماعی، در جوامع مختلف، شکل‌گیری دیدگاه‌ها نسبت به مفهوم آموزش و یادگیری را تعیین می‌کند. این دیدگاه‌ها، نه تنها بر طراحی سیستم‌های آموزشی، بلکه بر نحوه یادگیری دانش‌آموزان، تعامل آن‌ها با آموزگار و انتظارات جامعه، تأثیرگذار است. به عبارتی، فرهنگ و اجتماع، خشت‌های سازنده ساختار یادگیری در هر جامعه‌ای هستند. آن‌ها، چارچوب‌های اساسی را برای نحوه تجربه و دریافت دانش و مهارت‌ها در هر فرهنگ و جامعه‌ای ترسیم می‌کنند.

نقش آموزش نظری و عملی در نظام‌های آموزشی پیشرفته و در حال توسعه:

مطالعه تطبیقی نظام‌های آموزشی، چه در کشورهای پیشرفته و چه در کشورهای در حال توسعه، دریچه‌ای به سوی پیچیدگی‌های فرایند یاددهی - یادگیری باز می‌کند. این مقایسه، نگاهی عمیق به تفاوت‌ها و شباهت‌ها در رویکردهای آموزش، اهداف آموزشی، و شیوه‌های ارزیابی دانشجویان ارائه می‌دهد. از سویی، سیستم‌های آموزشی در کشورهای پیشرفته، با رویکردهای پیچیده و متنوعی مواجه هستند، که گاه در پی پاسخگویی به نیازهای تخصصی و فنی صنایع پیشرفته و همچنین در جهت انطباق با جوامع متغیر، گام برمی‌دارند. از سوی دیگر،

جوامع در حال توسعه، با چالش‌های منحصر به فردی مانند تامین منابع مالی و نیروی انسانی، دسترسی گسترده به فناوری و برنامه‌ریزی آموزشی، روبرو هستند.

در نظام‌های آموزشی پیشرفته، معمولاً توجه به جنبه‌های عملی و کاربردی آموزش، از اهمیت بالایی برخوردار است. این رویکرد، که با «آموزش مبتنی بر مهارت» نیز شناخته می‌شود، تأکید زیادی بر مهارت‌های حل مسئله، تفکر انتقادی، و خلاقیت دارد. دانشجویان در این سیستم‌ها، اغلب در پروژه‌های عملی، کارگاه‌های کاربردی و محیط‌های شبیه‌سازی شده، فرصت کسب مهارت‌های مورد نیاز را پیدا می‌کنند. این رویکرد، به‌طور خاص در رشته‌هایی مانند مهندسی، فناوری اطلاعات، و علوم پزشکی، بیش از سایر رشته‌ها مشهود است. همزمان با این، اهمیت نظریه و تئوری نیز نادیده گرفته نمی‌شود؛ اما جنبه کاربردی و عملی آن، در این نظام‌ها، جایگاه ویژه و مشخصی پیدا می‌کند. دانشجویان، به جای صرفاً حفظ و تکرار مفاهیم نظری، به چگونگی به کارگیری و توسعه این مفاهیم در دنیای واقعی می‌پردازند. آموزش آنها، اغلب با چارچوب‌هایی نظیر یادگیری بر پایه پروژه‌ها، مشکل‌گشایی و کار گروهی شکل می‌گیرد که بر همکاری و حل مسئله تأکید دارند.

در مقابل، در برخی از سیستم‌های آموزشی در حال توسعه، ممکن است تأکید بر جنبه‌های نظری و تئوری، غالب باشد. این رویکرد، در ارتباط با دانش‌آموختگانی که در رشته‌های انسانی، علوم پایه و علوم اجتماعی فعالیت می‌کنند، ممکن است تبلور پیدا کند. در این نظام‌ها، تمرکز بیشتر بر انتقال مفاهیم نظری و چارچوب‌های فکری است. این رویکرد، غالباً به دلیل دسترسی محدود به تجهیزات پیشرفته و محیط‌های عملی، یا تمرکز بیشتر بر حفظ و تثبیت مفاهیم اساسی و بنیادی، شکل می‌گیرد. اما این بدان معنا نیست که جنبه‌های عملی در این نظام‌ها، کاملاً نادیده گرفته می‌شوند. امروزه تلاش‌های بسیاری در این سیستم‌ها برای ایجاد تعادل بین آموزش نظری و عملی صورت می‌گیرد، و سعی می‌شود با استفاده از روش‌های خلاق و نوآورانه، دانشجویان را به کاربرد مفاهیم در دنیای واقعی تشویق کنند.

بررسی دقیق‌تر این دو رویکرد، نشان می‌دهد که ارتباط تنگاتنگی میان نظام‌های آموزشی و توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع وجود دارد. هر دو رویکرد نظری و عملی، در بستر شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر کشور، متفاوت و متمایز می‌شوند. فرایند مقایسه این دو نوع نظام، به شناسایی زمینه‌های مشترک و متمایز، و تدوین راهکارهای نوآورانه برای ارتقای

کیفیت آموزش کمک شایانی می‌کند. از این رو، این مطالعه، درک بهتری از مولفه‌های مختلف آموزش و پرورش در سطح جهانی، به ارمغان می‌آورد. اهمیت این مطالعه، در پیوند متقابل بین آموزش، فناوری، جامعه و نیازهای اقتصادی، قابل تأمل است.

نقش چالش های توسعه در طراحی آموزشی: نگاهی به جوامع در حال توسعه

در مطالعه تطبیقی نظام های آموزشی، ملاحظه عوامل محیطی و اجتماعی در جوامع در حال توسعه امری حیاتی است. این عوامل، نه تنها بر کیفیت آموزشی، بلکه بر ماهیت فرآیند یادگیری و مفاهیم پایه آن، تأثیر مستقیمی می‌گذارند. فقر، نرخ بالای جمعیت و دسترسی محدود به منابع، به مثابه موانع قابل توجهی در مسیر تعلیم و تربیت قرار می‌گیرند و در تعریف و اجرای مدل های آموزشی، به عنوان چالش هایی بسیار پیچیده ظاهر می‌شوند.

فقر، در واقع، به عنوان یک مانع فراگیر، به طور جدی بر تمامی ابعاد آموزش اثر می‌گذارد. این مسئله از طریق کاهش منابع مالی برای خانواده ها، منجر به کاهش مشارکت در فرآیند آموزشی و حتی عدم دسترسی به امکانات اساسی مثل کتاب، لوازم التحریر و وسایل آموزشی می‌گردد. این کمبود مادی، بر توانایی دانش آموزان در درک مفاهیم و مشارکت فعال در کلاس درس تأثیر منفی می‌گذارد. با توجه به تخصیص محدود بودجه آموزشی، کیفیت تجهیزات آموزشی نیز تحت تأثیر قرار گرفته و این کمبود، به سطوح پائینی در یادگیری منجر می‌گردد.

نرخ بالای جمعیت، که اغلب در جوامع در حال توسعه مشهود است، فضایی رقابتی و شلوغ را برای آموزش ایجاد می‌کند. این تراکم دانش آموزان، امکان تعامل مناسب و پاسخگویی به نیازهای منحصر به فرد هر فرد را محدود می‌سازد. افزایش دانش آموزان در کلاس های درس، به معلم اجازه نمی‌دهد تا به صورت کافی به دانش آموزان توجه کند و آنچه که در کلاس درس صورت می‌گیرد، به طور مؤثری بر روی یادگیری و رشد دانش آموزان تأثیر می‌گذارد. این فضا، ممکن است منجر به فقدان تمرکز و عدم جذب حداکثری دانش آموزان در فرآیند آموزش شود.

عدم دسترسی به منابع، از قبیل کتابخانه، آزمایشگاه ها، اینترنت و فناوری اطلاعات و ارتباطات، با توجه به نقش محوری آنها در مفاهیم نوین آموزشی، به عنوان یکی از چالش های اساسی و مهم در آموزش در جوامع در حال توسعه در نظر گرفته می‌شود. فقدان چنین امکاناتی، مانعی بزرگ در دسترسی به منابع و ارائه محتوای متنوع و مرتبط با علوم روز می‌باشد. این

محدودیت، دانش‌آموزان را از یادگیری‌های تجربی و عملی محروم می‌کند و به تدریج آنها را از مفاهیم نوین و فرآیندهای پیشرفته یادگیری دور می‌سازد.

ارائه آموزش در چارچوب فرهنگ‌ها و ساختارهای خاص اجتماعی جوامع در حال توسعه نیز امری مهم است. نوع ارتباطات موجود بین دانش‌آموزان و معلمان، ارزش‌های اجتماعی و نقش خانواده‌ها در فرایند آموزش، با ساختارها و نیازهای جوامع صنعتی توسعه یافته متفاوت است. مفاهیم آموزش را می‌توان در چارچوب فرهنگ‌های متنوع و با توجه به ارزش‌ها و سنت‌های خاص آنها در نظر گرفت.

از طرفی، موضوع زبان و گویش محلی و مواردی مانند مسائل فرهنگی و نیازهای ویژه دانش‌آموزان در این جوامع، می‌تواند بر روی فرایند یادگیری اثرگذار باشد. همچنین، موارد امنیتی و اجتماعی می‌توانند بر فرآیند یادگیری تأثیر بگذارند. این موارد، اهمیت طرح‌های موردی و شناسایی دقیق نیازهای جامعه و طراحی راه حل‌های بومی را بیش از پیش نشان می‌دهند.

نقشه‌راهی متفاوت: یادگیری پایدار در مناظر آموزشی جهان

در جهان امروز، با پیچیدگی‌های فزاینده‌ی اقتصادی و اجتماعی، چالش‌ها و فرصت‌های فراوانی در حوزه آموزش و پرورش نمایان می‌گردد. مقایسه‌ی نظام‌های آموزشی کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، گاه تصویری مجزا و در عین حال مرتبط از این چالش‌ها و فرصت‌ها را در مقابل ما می‌گستراند. در این بررسی، می‌کوشیم به این پرسش بنیادین بپردازیم که آیا تمرکز بر یادگیری پایدار و مهارت‌های قرن بیست و یکم، در جوامع در حال توسعه، به اندازه‌ی کشورهای پیشرفته مورد توجه قرار گرفته است؟

تحقیقات در این زمینه نشان می‌دهد که کشورهای توسعه‌یافته، با درک عمیق‌تر از تحولات تکنولوژیک و نیازهای بازار کار جهانی، تلاش‌های قابل توجهی را برای ادغام مفاهیم یادگیری پایدار و مهارت‌های قرن بیست و یکم در برنامه‌های آموزشی خود انجام داده‌اند. این مفاهیم شامل حل مسئله، تفکر انتقادی، خلاقیت، همکاری، و یادگیری طول عمر است. ساختارهای آموزشی در این کشورها به گونه‌ای طراحی شده‌اند تا به فراگیران، ابزار و مهارت‌های لازم برای مواجهه با چالش‌های پیش‌روی را ارائه دهند.

اما در کشورهای در حال توسعه، عوامل متعددی می‌توانند بر میزان تمرکز بر یادگیری پایدار اثرگذار باشند. سطح توسعه اقتصادی، دسترسی به منابع آموزشی، و چالش‌های فرهنگی و اجتماعی از جمله عواملی هستند که نقش مهمی ایفا می‌کنند. نیازهای فوری مانند آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای، به منظور تامین نیروی کار در بخش‌های صنعتی و کشاورزی، در برخی از این جوامع ممکن است ارجحیت بیشتری نسبت به مفاهیم یادگیری پایدار داشته باشند.

همچنین، رویکردهای آموزشی در کشورهای در حال توسعه، اغلب تحت تاثیر الگوهای آموزشی تاریخی و فرهنگی هستند. تغییر در رویکرد آموزشی برای رسیدن به مفهوم یادگیری پایدار، ممکن است به زمان و منابع بیشتر نیاز داشته باشد. همچنین، فقدان دسترسی به زیرساخت‌های آموزشی، مانند اینترنت پرسرعت و تجهیزات تکنولوژیکی پیشرفته، می‌تواند مانعی در مسیر توسعه‌ی این مفاهیم باشد.

علاوه بر این، تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای در چگونگی درک و تفسیر مفاهیم یادگیری پایدار و مهارت‌های قرن بیست و یکم در فرهنگ‌های مختلف وجود دارد. تعریفی که در یک جامعه از «یادگیری پایدار» ارائه می‌شود، ممکن است با تعریفی که در جامعه‌ای دیگر وجود دارد، متفاوت باشد. این تنوع فرهنگی، نیازمند درک و احترام به دیدگاه‌های متفاوت است.

با توجه به این ابعاد گوناگون، مقایسه‌ی صرف تمرکز بر یادگیری پایدار در دو گروه کشورها، ساده‌انگارانه و ناکافی است. به جای تمرکز بر مقایسه‌ی مستقیم، باید به چارچوب‌های متنوعی توجه نمود که درک کامل‌تری از این موضوع ارائه می‌دهند.

در حقیقت، نیازهای آموزشی در کشورهای در حال توسعه، پیچیده و چندوجهی است. در کنار تمرکز بر مهارت‌های قرن بیست و یکم، آموزش و پرورش در این کشورها باید به طور هم‌زمان پاسخگوی نیازهای فوری و ضروری جوامع نیز باشد. شاید تعامل و همکاری بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، برای یافتن راه‌حل‌های بهینه، ضروری باشد. تبادل تجربیات، و ارائه‌ی حمایت‌های فنی و مالی مناسب، می‌تواند در این راستا گام‌های موثری بردارد.

نقش آموزش در شکل‌گیری آینده: رهیافت‌های تطبیقی به آموزش انتقادی و حل

مسئله

بررسی نظام‌های آموزشی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، یک منظور بسیار پیچیده و جالب را در برمی‌گیرد. بحث در مورد تفاوت‌ها و شباهت‌های آن‌ها، مستلزم نگاهی عمیق به الگوهای مختلف فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادی در این جوامع است. این الگوها، تاثیر مستقیمی بر طراحی و اجرا سیستم‌های آموزش و پرورش در هر کشور دارند.

یکی از عناوین کلیدی در این مقایسه، میزان توجه به مهارت‌های تفکر انتقادی و حل مسئله است. در کشورهای توسعه‌یافته، توجه به این مهارت‌ها غالباً از طریق یک رویکرد مشارکتی و پرسش‌گرانه، در طراحی برنامه‌های درسی تبلور می‌یابد. این رویکرد، دانش‌آموزان را به بررسی موضوعات از زوایای مختلف تشویق می‌کند و به آنها کمک می‌کند تا به نتیجه‌گیری‌های مستقل و محکم دست یابند. در این سیستم‌ها، تمرکز بر تفکر تحلیلی و به کارگیری دانش برای حل مشکلات به صورت عملی، مورد توجه ویژه است. مباحثی مثل استدلال منطقی، تحلیل اطلاعات، ارزیابی موضوعات، و بررسی دلایل و پیامدها، بخش مهمی از آموزش را تشکیل می‌دهند.

در مقایسه با کشورهای در حال توسعه، که ممکن است با محدودیت‌های منابع، فضا، و زمان مواجه باشند، رویکردها می‌توانند تفاوت قابل توجهی داشته باشند. در برخی از این جوامع، روش‌های تحصیلی سنتی‌تر، تمرکز بر حفظ اطلاعات و ارائه پاسخ‌های صحیح و استاندارد دارد. این رویکرد، ممکن است فضایی برای رشد تفکر انتقادی و حل مسئله ایجاد نکند. عوامل متعددی همچون ساختار اجتماعی، نیازهای اقتصادی، و حتی میزان دسترسی به منابع آموزشی در شکل‌گیری این تفاوت‌ها نقش دارند.

با این حال، شایان ذکر است که تفاوت در رویکردها به معنای کمبود تفکر انتقادی یا حل مسئله در جوامع در حال توسعه نیست. در کلیت امر، تفکر انتقادی و حل مسئله مهارت‌هایی هستند که در تمام جامعه‌های بشری به طور غریزی باقی می‌مانند و در بسیاری از فعالیت‌های روزمره به کار گرفته می‌شوند. در این جوامع ممکن است این مهارت‌ها به شیوه‌ای متفاوت و در قالبی مبنی بر تجربیات محلی بکار برده شوند. همین رویکرد مبتنی بر تجربه محلی و معنای